فصلنامهٔ پژوهش‌های پولی-بانکی
سال هجدهم، شماره ۶۴، تابستان ۱۴۰۴
صفحات ۳۲۱-۲۸۳

ارائهٔ مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور

محمدمهدی غلامی[*]
علی فرهادی‌محلی[†]
علیرضا معطوفی[‡]
حسین آریایی‌نژاد[§]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائهٔ مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور است. این پژوهش براساس پارادایم تفسیری است و ماهیت اکتشافی-توصیفی دارد و از منظر هدف نیز در دستهٔ پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. به‌منظور دستیابی به داده‌ها، از روش آمیخته استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از روش نظریهٔ داده‌بنیاد با رهیافت نظام‌مند اشتراوس و کوربین و در بخش کمّی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. از مجموع ۵۱۱ کد باز اولیه، ۲۱۵ کد محوری و در نهایت، ۵۳ کد انتخابی مقوله‌بندی شد. یافته‌های این پژوهش روابط پنج بُعد اصلی شرایط علّی (۹ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۸ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۹ مقوله)، راهبردها (۱۵ مقوله)، و پیامدها (۱۲ مقوله) را حول پدیدهٔ محوری اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور نشان داده است. در نهایت، نتایج پژوهش در بخش کمّی نیز بر پذیرش تمامی فرضیه‌های پژوهش و اعتبار مدل تأکید می‌کند. خط‌مشی‌های اعتباری مبتنی بر جهت‌ها، اولویت‌ها، و اصول و اهداف بانک به‌عنوان جزء مهم و جدانشدنی خط‌مشی‌های کلان یک

[*] گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاداسلامی گرگان، ایران،
mohammadmahdi.gholami63@iau.ac.ir
[†] گروه مدیریت دولتی، واحد گرگان، دانشگاه آزاداسلامی گرگان، ایران، (نویسندهٔ مسئول)،
alifarhadi@iau.ac.ir
[‡] گروه مدیریت ، واحد گرگان، دانشگاه آزاداسلامی گرگان، ایران، ، alireza.matoufi@iau.ac.ir
[§] گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاداسلامی گرگان، ایران، ، hosseinaryaeinezahad@iau.ac.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

بانک شناخته می‌شود و بهره‌برداری از مدل ارائه‌شدهٔ این پژوهش در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری مؤثر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: اجرا، اجرای خط‌مشی، خط‌مشی اعتباری، بانک قرض‌الحسنه، روش آمیخته
طبقه‌بندی JEL: H10، H83، E51، G21، H80

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

۱ مقدمه

پیوند بین خط‌مشی‌ها و فرایندهای قانون‌گذاری از یک سو، و ادارهٔ قوانین حاصل از آن از سوی دیگر، بحثی طولانی‌مدت در ادبیات ادارهٔ امور عمومی است (میرز و ورسنگر[۱]، ۲۰۰۷). نظام‌های سیاسی دائماً تحت‌فشارند تا منابع بسیار کمیاب را برای رسیدگی به چالش‌های پیچیدهٔ حاکمیتی تخصیص دهند و مبتنی بر همین موضوع، میزان توانایی آن‌ها به‌منظور انجام این وظیفهٔ دشوار برای موفقیت و اثربخشی خط‌مشی‌های عمومی بسیار مهم است (هاگ، هورکا، و کاپلانر[۲]، ۲۰۲۴). عرصهٔ خط‌مشی عمومی پیچیده، آشفته، مخدوش، مناقشه‌برانگیز، چندجهته، و از بسیاری جهات مبهم و پر از پیامدها و عواقب ناخواسته است (آید و موگاندا[۳]، ۲۰۲۳). در همین راستا و به‌دنبال تمایز اساسی پرسمن و ویلداوسکی[۴] (۱۹۷۴) از اجرا به‌عنوان عنصری مجزا از خط‌مشی عمومی که می‌توان آن را نقطهٔ شروعی در این زمینه در نظر گرفت، اجرای خط‌مشی به‌عنوان یک مرحلهٔ تکوینی از فرایند خط‌مشی که شکل و تأثیر خط‌مشی را تعیین می‌کند و درعین‌حال، در تقاطع سیاست‌ها، خط‌مشی و عموم قرار دارد، به‌خوبی پذیرفته شده است (سیجر و گافن[۵]، ۲۰۲۲). اگر فرایند خط‌مشی‌گذاری را در سه مرحلهٔ تدوین، اجرا، و ارزیابی خلاصه کنیم، اجرا مهم‌ترین مرحله در این فرایند به‌شمار می‌آید (الوانی و شلویری[۶]، ۱۳۹۵). امروزه، اجرا به‌عنوان یک فرایند تغییر چندعاملی و چندسطحی چالش‌برانگیز و پیچیده شناخته شده است (اسمیت، گریث، و هاتزل[۷]، ۲۰۲۱). در یک تعریف، اجرای خط‌مشی عبارت است از انجام تصمیم سیاسی عمده که در راستای یک قانون است و درعین‌حال، می‌تواند شکلی از دستورهای مهم اجرایی یا تصمیمات قضایی باشد (مازمانیان و ساباتیه[۸]، ۱۹۸۳).

---

[1] Meyers & Vorsanger
[2] Haag, Hurka & Kaplaner
[3] Aiyede & Muganda
[4] Pressman & Wildavsky
[5] Sager & Gofen
[6] Alvani and Shloiri
[7] Smith, Girth & Hutzel
[8] Mazmanian & Sabatier

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

مرحلهٔ اجرا در خط‌مشی‌گذاری مسلماً مهم‌ترین مرحله است، زیرا در این مرحله است که نیت‌های خط‌مشی‌گذاران به عمل تبدیل می‌شود (تسای و لیاوو[1]، ۲۰۲۰). اجرا همواره در هستهٔ هر سازمان خدمات عمومی، به‌عنوان یکی از مراحل ضروری در فرایند خط‌مشی محسوب می‌شود؛ و این اجراست که طراحی خط‌مشی را به‌فعل درمی‌آورد (ژانگ، رزنبلوم و دانگ[2]، ۲۰۲۱). باوجوداین، متأسفانه پژوهش‌های موجود راهنمایی اندکی دربارهٔ چگونگی به‌فعل‌درآوردن و اجرایی‌کردن خط‌مشی‌ها، آن‌طور که نوشته شده‌اند، ارائه می‌دهند؛ اهمیت این موضوع، به‌ویژه، به این دلیل است که کمک می‌کند بفهمیم چگونه سازمان‌ها را - که اساساً برای اجرای خط‌مشی‌ها سازمان‌دهی شده‌اند و اغلب مبتنی بر آن موردقضاوت قرار می‌گیرند - به‌طور کارآمد و مؤثر رهبری کنیم (فولر[3]، ۲۰۲۰). همواره، دولت‌ها به‌دنبال راه‌های بهتر برای دستیابی به اهداف سیاستی خود هستند. اگرچه اجرای خط‌مشی برای پُرکردن شکاف بین وعده‌های خط‌مشی‌گذاری و نتایج سیاست‌ها حیاتی است، این فرایند به‌خودی خود پیچیده و چندوجهی است و هنوز به‌خوبی درک نشده است (هادسون، هانتر، و پکهام[4]، ۲۰۱۹).

در همین راستا و در خط‌مشی‌گذاری مربوط به حوزهٔ اقتصادی، می‌توان گفت نظام اقتصادی ایران یک نظام بانک‌محور است که از حیث تأمین‌مالی بنگاه‌های اقتصادی، به بازار سرمایه اتکای کمی دارد. بدیهی است تا زمانی که سهم بازار سرمایهٔ ایران از این جریان مالی گسترده و فراگیر نشده است، خط‌مشی‌های اعتباری و وضعیت نظام تسهیلات و اعتبارات بانکی اثری بزرگ و مستقیم بر متغیرهای کلان اقتصاد برجای می‌گذارد و اصلاح و تقویت ساختاری آن در اولویت قرار می‌گیرد (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۹). موفقیت نظام بانکی مستلزم طراحی و اجرای سیستم مناسب در بخش اعطای تسهیلات و تدوین راهبرد شفاف و عملی برای وصول تسهیلات پرداخت‌شده است (نیلی، شاهچرا، و طاهری، ۱۳۹۴). ازآنجاکه بخش اعظم دارایی مؤسسات مالی و اعتباری، به‌ویژه بانک‌ها، به اعتبارات و تسهیلات اعطایی مربوط می‌شود، مدیریت و ادارهٔ این بخش از دارایی‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (خرمی، تقوی‌فرد، و خاتمی، ۱۳۹۹). بر این مبنا، می‌توان گفت با

[1] Tsai & Liao
[2] Zhang, Rosenbloom & Dong
[3] Fowler
[4] Hudson, Hunter & Peckham

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

توجه به نقش برجستهٔ نظام بانکی در اقتصاد کشور، یکی از مفاهیمی که تمرکز بر آن می‌تواند برای دستیابی به اهداف نظام بانکی نقش ویژه‌ای ایفا کند، مفهوم خط‌مشی اعتباری[1] است.

خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران خط‌مشی اعتباری را به‌مراتب کمتر از سیاست پولی غیرمتعارف شناخته‌اند. مشکل از آنجا نشئت می‌گیرد که خط‌مشی اعتباری به‌عنوان یک خط‌مشی استاندارد در بانک مرکزی موردتوجه قرار نگرفته است و در نتیجه، در نظام بانکی نیز به‌خوبی تثبیت نشده است (کوالوا و ایورگاچوا[2]، ۲۰۲۱). در نگاهی کلان، خط‌مشی اعتباری در نظر دارد با ایجاد تغییراتی در ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی، شرایط اعتباری را در اقتصاد تسهیل کند و بر جریان سرمایه یا تخصیص اعتبار در بخش خصوصی تأثیر بگذارد (لی[3]، ۲۰۱۹). از طرف دیگر در نگاه خرد، بانک‌ها نیز برای تشکیل ساختار کیفی دارایی‌های اعتباری، براساس رویکردهای محتاطانه برای شکل‌گیری ارزش منابع اعتباری، امنیت و تعادل، مطابق با معیارهای ریسک و دورهٔ اعتباری خط‌مشی اعتباری داخلی خود را ایجاد می‌کنند (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱). از این منظر، یک خط‌مشی اعتباری مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هاست که شرایط اعتبار و پرداخت را برای مشتریان تعیین می‌کند و مسیر اقدام روشنی برای پرداخت‌های معوق ایجاد می‌کند (بودی[4]، ۲۰۱۳). بنابراین، خط‌مشی اعتباری برای توسعهٔ فعالیت‌های وام‌دهی بانک با توجه به تأیید ریسک‌های اعتباری قابل‌قبول، تصمیم‌گیری دربارهٔ انتخاب وام‌گیرندگان قابل‌اعتماد، فوریت و سررسید وام، و راه‌هایی برای اطمینان از انجام تعهدات اعتباری جهت‌هایی را تعیین می‌کند. چنین چشم‌اندازی تغییر در سودآوری و ریسک پرتفوی وام و موقعیت رقابتی یک بانک در بخش پول و اعتبار بازار مالی را تعیین می‌کند (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱).

از سویی دیگر، بانکداری اسلامی طی چند دههٔ اخیر توسعهٔ چشم‌گیری در جهان داشته است. با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ در ایران، تحول عمده‌ای در زمینهٔ فعالیت بانک‌های اسلامی در جهان آغاز شده است. در این راستا، اگرچه روح اصلی همهٔ بانک‌های بدون ربا مشترک و همان حذف ربا از عملیات بانکی است، اما الگوهای اجرایی که هریک از کشورها و بانک‌های بدون ربا انتخاب کرده‌اند تا حدودی با یکدیگر

---

[1] credit policy

[2] Kovalova & Iorgachova

[3] Lee

[4] Budde

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

تفاوت دارد و این امر موجب شده است مدل‌های مختلفی از بانکداری بدون ربا به‌وجود بیایند (محرابی، ۱۳۹۳). عقد قرض‌الحسنه یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در قانون بانکداری ایران بر آن تأکید شده است.

سپرده‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از بازوهای مهم عملیاتی‌کردن نظام بانکداری بدون ربا، در سال‌های گذشته، با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها کاهش تدریجی سهم این سپرده‌ها و به‌تبع آن کاهش تخصیص تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بانک‌هاست (توحیدی‌نیا و فولادگر، ۱۳۹۷). به‌دلیل تحمیل سقف قیمتی پایین‌تر از قیمت تعادلی بازار، این بازار دائماً با کسری عرضه و مازاد تقاضا روبه‌روست (ناجی، ۱۳۹۸).

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد سهم مجموع سپرده‌های قرض‌الحسنه از مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی نظام بانکی از ۶۸ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۳۳ درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. سهم ماندهٔ وام قرض‌الحسنه از ماندهٔ کل تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به بخش غیردولتی از ۱۱ درصد در سال ۱۳۶۳ تا ۳ درصد در سال ۱۳۸۶ کم شده است و بار دیگر، از ۴ درصد در سال ۱۳۸۷، فقط تا ۱۵ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. سهم ماندهٔ وام اعطایی قرض‌الحسنه از مجموع سپردهٔ قرض‌الحسنه در نظام بانکی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶، وضعیت مناسبی نداشته است و به‌طور میانگین، کمتر از ۸ درصد بوده است و از ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۷، فقط تا ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است.[۱]

نحوهٔ تخصیص بهینه، کارآمد، و مؤثر وجوه قرض‌الحسنه همواره یکی از مهم‌ترین مسائل نظام بانکی در راستای رسیدن به اهداف مدنظرِ خط‌مشی‌گذاری اعتباری بوده است. تخصیص بهینهٔ این وجوه، علاوه بر ایجاد انگیزهٔ مضاعف در سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه، با شفاف‌سازی دربارهٔ تأمین نیت خیرخواهانهٔ سپرده‌گذاران، زمینهٔ جذب سپرده‌گذاران جدید را نیز فراهم می‌آورد (قائمی و خلجی، ۱۴۰۰). به‌طور کلی، آسیب‌شناسی و بررسی وضع موجود تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه نشان‌دهندهٔ مسائلی از قبیل خلاهای قانونی، رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری، نبود ارادهٔ جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی، تغییرات فرهنگی و اعتقادی، سقف و تنوع کم تسهیلات قرض‌الحسنه (توحیدی‌نیا و فولادگر، ۱۳۹۷)، تخصیص‌ندادن سپرده‌های

---

[۱] وب‌سایت بانک مرکزی ج.ا.ا، بخش آمار و داده‌ها، ۱۴۰۳

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

قرض‌الحسنه به وام قرض‌الحسنه، مشخص‌شدن مصارف متعدد برای قرض‌الحسنه بدون اولویت‌بندی مناسب، ازبین‌بردن روح معنوی قرض‌الحسنه با برگزاری قرعه‌کشی‌ها، ضعف پاسخ گویی به نیازهای اساسی مردم و اقشار نیازمند متناسب با اولویت‌های اجتماعی، و در نظر گرفته‌نشدن کارمزد به‌عنوان مزدِ کار است.[۱]

بااین‌حال، بانک‌های قرض‌الحسنه نیز در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری علاوه‌بر مسائل و مشکلاتی مشابه سایر بانک‌ها مانند توسعه‌نیافتگی بازار پولی اقتصاد کشور از جنبه‌های تأمین منابع اعتبارات، فرایند اعطای اعتبارات و نظارت بر مصرف آن، فقدان راهبردی مشخص در رأس سیاست‌گذاری نظام پولی و بانکی کشور، سلامت چرخهٔ اعتباری در اقتصاد کشور (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۹)، نداشتن انطباق شرعی برخی از عملیات‌های بانکی (ملاکریمی و قلیچ، ۱۳۹۵) و رفع دغدغهٔ شرعی متشرعان و رفع بی‌اعتمادی به سیستم بانکی فعلی، اجرانشدن صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا، سازمان‌دهی بازار غیرمتشکل پولی و بازار قرض‌الحسنه، حذف رقابت‌های ناسالم، تخصصی‌شدن عملیات اجرایی قرض‌الحسنه در کشور، کارکرد بانک‌ها در ارتباط با حساب‌های قرض‌الحسنه (عزیزنژاد، حیدری، پورسید و سیدنورانی، ۱۳۸۷)، توزیع نامناسب تسهیلات اعطایی و ضعف در تخصیص تسهیلات براساس اولویت‌بندی و مکان‌یابی صحیح (ابراهیمی و جلالی‌نائینی، ۱۴۰۰؛ سیدنورانی، تاری و آقاجانی، ۱۳۹۸؛ طاهرپور، محمدی و فردی، ۱۳۹۸؛ ایروانی، غزالی و غزالی، ۱۳۹۱)، و ریسک اعتباری و نکول تسهیلات اعطایی (نادری، موسویان، ندیری و زارعی، ۱۳۹۸؛ ندیری، موسویان و نادری، ۱۳۹۷ و عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۸۷) با مسائل و چالش‌هایی در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری هم مواجه هستند؛ مسائلی که مختص بانک‌های قرض‌الحسنه است، ازجمله کیفیت خط‌مشی‌گذاری اعتباری بانک، محدودیت در سقف وام قرض‌الحسنه، ابهام در ابعاد فقهی و قانونی طرح‌های اعتباری بانک، تک‌محصولی‌بودن در عقود اعطای تسهیلات، نگرش یکسان مردم به این بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه و ایجاد انگیزه برای سپرده‌گذاری، محدودیت منابع و نداشتن دسترسی آسان آحاد جامعه به وام‌های قرض‌الحسنه، برنامهٔ زمان‌بندی برای اعطای وام براساس ضرایب امتیازی، اخذ کارمزد وام با نرخ ثابت سالانه، و شیوهٔ اخذ تضامین و وثایق از متقاضی.

---

[۱] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

باوجود اهمیت مسئلهٔ اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، ادبیات نظری و پژوهش‌های تجربی مربوط به این حوزه در شبکهٔ بانکی و به‌ویژه در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور از غنای لازم برخوردار نیست و مرحلهٔ اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، با روش‌های علمی، به‌طور محدود موردمطالعه قرار گرفته است. همچنین، براساس مطالعهٔ ادبیات پژوهشی داخلی و خارجی در منابع و پایگاه‌های دادهٔ در دسترس پژوهشگران، پژوهشی با عنوان ارائه‌شده مشاهده نشد؛ خلاء ارائهٔ مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور مشهود است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و شکاف پژوهشی، مطالعهٔ حاضر با هدف ارائهٔ مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور انجام شد و درصدد پاسخ به این پرسش اساسی بود که مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه کشور چگونه است؟

۲ مبانی نظری پژوهش

۲.۱ اجرای خط‌مشی

اجرا مرحلهٔ مهمی از سه مرحلهٔ تدوین، اجرا، و ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی است که در آن، هدف سیاست‌گذاران نمود و ظهور پیدا می‌کند و ازاین‌رو، بسیار حائز اهمیت است. مرحلهٔ تدوین حاصل پیش‌بینی‌ها و برآوردهای سیاست‌گذاران نسبت به آینده است و از جنس ذهنیات است، درحالی‌که اجرا، تحقق عینی و واقعی آن پیش‌بینی‌هاست (الوانی و شلویری، ۱۳۹۵). اجرای خط‌مشی عمومی سنگ زیرین ادارهٔ عمومی محسوب می‌شود و در مفهوم کلی، به‌معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان‌ها، رویه‌ها و روش‌های متفاوت درهم می‌آمیزند تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجهٔ مطلوب و مثبت برسانند (قربانی‌زاده، شریف‌زاده و معتضدیان، ۱۳۹۶). با آغاز دههٔ ۱۹۷۰، پژوهشگران به‌تدریج متوجه شدند که به‌ندرت، خط‌مشی‌های عمومی آن‌طور که طراحی شده‌اند اجرا می‌شوند و نتایج خط‌مشی‌ها آن‌طور که موردنظر است محقق می‌شود (کمپوس و ریچ[1]، ۲۰۱۹). از آن زمان به بعد، مطالعهٔ اجرای خط‌مشی گسترش و تکامل یافت و بسیاری از پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا مدل‌ها و چهارچوب‌های اجرای خط‌مشی را برای رسیدگی به شکاف‌هایی که اغلب بین هدف تصمیم‌گیری خط‌مشی و نتیجهٔ اجرا یا عملکرد

[1] Campos & Reich

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

خط‌مشی رخ می‌دهد، توسعه دهند. این چهارچوب‌ها برای تعیین اینکه چه چیزی باعث موفقیت یک خط‌مشی و اجرای متعاقب آن می‌شود مورداستفاده قرار می‌گیرد (مک‌تیگو، رای و مونیوس[1]، ۲۰۱۸). با توجه به پیچیدگی اجرای خط‌مشی به‌عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی، تعجبی ندارد که رویکردهای متعددی برای مطالعه و درک آن وجود داشته باشد (کمپوس و ریچ، ۲۰۱۹). بنابراین، پژوهش‌های اجرای خط‌مشی را می‌توان به سه رویکرد نظری مجزای بالا به پایین، پایین به بالا و ترکیبی تقسیم کرد. در توسعهٔ ادبیات اجرای خط‌مشی، دربارهٔ اینکه کدام مدل‌ها در اجرای خط‌مشی مؤثرتر و موفق‌ترند بحثی طولانی وجود داشته است (متلند[2]، ۱۹۹۵). در مسیر تکامل، دوگانگی دو مدل متضاد رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا مشخص شد و مدافعان هرکدام، یعنی رویکرد بالا به پایین مانند پرسمن و ویلداوسکی (۱۹۷۳) و ساباتیه و مازمانیان (۱۹۸۰) و رویکرد پایین به بالا مانند لیپسکی[3] (۱۹۸۰)، به‌زعم خود مدل‌هایی برای اجرای مؤثر و موفق خط‌مشی ارائه دادند.

۲.۲ خط‌مشی اعتباری

فرهنگ لغت تجاری لانگمن[4] به خط‌مشی دولت در یک زمان خاص، مبنی بر اینکه وام‌گرفتن برای مردم و مشاغل چقدر آسان یا دشوار است و چقدر باید هزینه داشته باشد خط‌مشی اعتباری می‌گوید.

منظور از خط‌مشی‌های اعتباری، مجموعهٔ سیاست‌های نظام بانکی دربارهٔ نرخ سود تسهیلات و میزان تسهیلات اعطایی به بخش‌های مختلف اقتصادی است (تشکینی، حیدری و شفیعی، ۱۳۹۵).

مفهوم‌سازی خط‌مشی اعتباری آسان نیست و با توجه به شیوه‌ها و تعریف‌ها در کشورها و در طول زمان متفاوت است. به‌طور کلی، خط‌مشی اعتباری به‌عنوان رویکردی مؤثر برای تعقیب اهداف خط‌مشی، غیر از مدیریت نرخ بهرهٔ کوتاه‌مدت، تلقی می‌شود (آیکمن، هالدانه و نلسون[5]، ۲۰۱۶؛ مونه[6]، ۲۰۱۸ و بزمر، رایان-کالینز، ون‌لرون و ژانگ[7]، ۲۰۲۳). طبق

---

[1] McTigue, Rye & Monios
[2] Matland
[3] Lipsky
[4] Longman Business Dictionary
[5] Aikman, Haldane & Nelson
[6] Monnet
[7] Bezemer, Ryan-Collins, Van Lerven & Zhang

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

گفتهٔ مونه (۲۰۱۴)، خط‌مشی اعتباری را می‌توان به‌عنوان «هر وسیله‌ای که از سوی دولت یا بانک مرکزی برای تأثیرگذاری بر تخصیص اعتبار استفاده می‌شود» تعریف کرد (بزمر و همکاران، ۲۰۲۳). مطالعهٔ مبانی نظری نشان می‌دهد خط‌مشی اعتباری را می‌توان از دو منظر خط‌مشی‌های اعتباری بانک مرکزی و خط‌مشی‌های اعتباری شبکهٔ بانکی تحلیل و بررسی کرد.

۲/۲.۱ خط‌مشی اعتباری از منظر کلان

گودفرند[1] (۲۰۱۱) عملیات بانک مرکزی را به سیاست پولی و سیاست اعتباری تقسیم می‌کند. در طبقه‌بندی وی، سیاست پولی به عملیات بازار باز اشاره دارد که با خرید یا فروش اوراق خزانه، اندوخته و ارز بانکی را افزایش یا کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، خط‌مشی اعتباری ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی را تغییر می‌دهد و مقدار کل آن‌ها را ثابت نگه می‌دارد. بدون شک، در اصل، هر سیاست پولی یک سیاست اعتباری است، زیرا اعتبار کانال اصلی انتقال سیاست پولی است.

با توجه به این بررسی کلی، لی (۲۰۱۹) نیز سیاست‌های جاری بانک‌های مرکزی را به سیاست پولی، سیاست اعتباری، و سیاست احتیاطی کلان دسته‌بندی می‌کند. در این طبقه‌بندی، سیاست پولی را می‌توان بیشتر به سیاست‌های پولی متعارف و غیرمتعارف تقسیم کرد. از سوی دیگر، سیاست اعتباری در نظر دارد با ایجاد تغییراتی در ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی، شرایط اعتباری را در اقتصاد تسهیل کند و بر جریان سرمایه یا تخصیص اعتبار در بخش خصوصی تأثیر بگذارد (لی، ۲۰۱۹). در نهایت، سیاست احتیاطی کلان، با هدف تعدیل چرخه‌ای‌بودن، سیستم مالی است. بنابراین، سیاست‌های اعتباری و سیاست‌های احتیاطی کلان ممکن است هم‌پوشانی داشته باشند، زیرا هر دو سیاست اغلب شامل نوعی کنترل اعتبار یا تخصیص اعتبار با هدف بخش‌های خاص هستند (شین[2]، ۲۰۱۵). باوجود این شباهت‌ها، ظاهراً، اولویت‌های این دو سیاست متفاوت‌اند. سیاست احتیاطی کلان عمدتاً با هدف محدودکردن رشد اعتبار از منظر مدیریت ریسک سیستمی همراه است، درحالی‌که سیاست اعتباری به در دسترس‌بودن اعتبار، در کل اقتصاد یا بخش‌های خاص، توجه ویژه دارد و هدف آن اصلاح شکست‌ها در واسطه‌گری مالی است. تا اوایل دههٔ ۲۰۰۰، خط‌مشی اعتباری نقش نسبتاً ناچیزی در اقتصادهای پیشرفته داشت.

---

[1] Goodfriend

[2] Shin

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

بااین‌حال، اکنون این موضوع به‌رسمیت شناخته شده است که رویکرد مرسوم بانک مرکزی به بازنگری اساسی نیاز دارد. ابتدا، استفاده از نرخ بهره به‌عنوان ابزار اصلی سیاست پولی، گامی اساسی برای بانک‌های مرکزی در راستای تثبیت تورم و اقتصاد کلان تلقی می‌شد، اما امروزه اهمیت خط‌مشی اعتباری ثابت شده است و به‌عنوان یک مکمل مفید برای مجموعه‌ابزارهای بانک‌های مرکزی در نظر گرفته می‌شود (لی، ۲۰۱۹).

براساس نظر مونه (۲۰۱۴)، ابزارهای خط‌مشی اعتباری با ابزارهای سیاست پولی هم‌پوشانی دارند، اما با ابزارهای سیاست پولی یکسان نیستند. هر دو «اقدامات مداخله‌گرایانه در فرایند تخصیص (اعتبار) هستند و می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی برای کنترل عرضهٔ پول و تورم به‌کار روند»، با این تفاوت که سیاست پولی با «مدیریت سطح قیمت» سروکار دارد، درحالی‌که خط‌مشی اعتباری «مربوط به روند تخصیص اعتبار» با «پیامدهایی برای توسعهٔ صنعتی به‌جای تورم» است. در این دیدگاه، سیاست پولی و خط‌مشی اعتباری اهداف متفاوتی (ثبات قیمت در مقابل تخصیص اعتبار) دارند و می‌توانند در کنار یکدیگر وجود داشته باشند. همچنین، خط‌مشی اعتباری از سیاست احتیاطی کلان گسترده‌تر است. هدف از این کار، کاهش ریسک سیستماتیک برای سیستم مالی از طریق محدودکردن رشد اعتبار در بخش‌های خاص (مشابه کنترل‌های اعتباری) مؤسسات مالی است. در مقابل، اهداف خط‌مشی اعتباری معمولاً با توجه به بخش واقعی، نه فقط بخش مالی، تعریف می‌شوند. سیاست‌های احتیاطی کلان که به‌تازگی ابداع شده‌اند، با هدف کاهش ریسک سیستمی، در واقع - اگر نه به نام - اَشکالی از خط‌مشی اعتباری هستند (بزمر و همکاران، ۲۰۲۳).

۲.۲.۲ خط‌مشی اعتباری از منظر خرد

خط‌مشی اعتباری مجموعه‌ای از شرایط است که نحوهٔ صدور اعتبار برای مشتریان و وصول بدهی‌های پرداخت‌نشدهٔ بانک را مشخص می‌کند (فریدمن[1]، ۲۰۲۳). طبق نظر گلنتز[2] (۲۰۰۳)، خط‌مشی و سیاست‌های کلان اعتباری می‌بایست نشئت‌گرفته از راهبردهای اصلی کسب‌وکار بانک و دربرگیرندهٔ اصول راهنمای مرتبط با فعالیت اصلی اعتباری باشد؛ ازجمله نسبت تنوع‌بخشی بهینهٔ پرتفوی اعتبارات، شرح کاملی از موضع بانک دربارهٔ چگونگی اعطای اعتبار براساس نوع (مثلاً تجاری، مصرفی یا مستغلات)، بخش اقتصادی، منطقهٔ

[1] Freedman
[2] Glantz

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جغرافیایی، نوع پول، سررسید، سود موردانتظار، بازارهای هدف و کلیهٔ عوامل مرتبط با قیمت‌گذاری ریسک اعتباری. بدیهی است هرچقدر این خط‌مشی‌ها پخته‌تر و کامل‌تر تدوین شوند، ثبات، شفافیت، و سازگاری فلسفهٔ تسهیلات‌دهی افزایش پیدا می‌کند و این نشان‌دهندهٔ چهارچوب مدیریت ریسک بالغ‌تر است (کومار، آرورا و لاهیله[1]، ۲۰۱۱).

در بین دانشمندان، هیچ درک واحدی دربارهٔ ماهیت اقتصادی مفهوم خط‌مشی اعتباری وجود ندارد و این امر به بحث‌برانگیزبودن این پدیده منجر شده است که بررسی ویژگی‌های مفهومی اصلی آن را موضوعیت می‌بخشد:

- راهبرد و تاکتیک‌های بانک؛
- سند داخلی بانک که هنگام تشکیل سبد وام از آن پیروی می‌کند؛
- نظام قوانین، معیارها و اقدامات بانک در زمینهٔ اعطای وام به مشتریان؛
- جهت‌ها، اولویت‌ها، اصول و اهداف بانک؛
- رویکرد و مفهوم کلی وام‌دهی؛
- جزء لاینفک سیاست کلی بانک.

مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها دیدگاهی جامع از ماهیت خط‌مشی اعتباری یک بانک را شکل می‌دهند. ماهیت خط‌مشی اعتباری باید از طریق منشور کارکردهای ترسیم‌شده در راهبرد توسعهٔ بانک موردتوجه قرارگیرد که هدف آن در درجهٔ اول، حداکثرکردن منابع برای پاسخ سریع به عدم‌قطعیت‌های محیط خارجی و داخلی است (ستیاوان[2]، و همکاران ۲۰۲۰).

عوامل مؤثر بر خط‌مشی اعتباری و سبد وام بانک به‌هم مرتبط و وابسته‌اند و با در نظرگرفتن تلاطم محیط مالی، می‌توانند تأثیری چندوجهی بر وضعیت فعلی و روند بازار خدمات اعتباری داشته باشند. بنابراین، برای اطمینان از نتایج مؤثر اجرای خط‌مشی اعتباری، تحلیل و نظارت مستمر بر عملیات اعتباری مؤسسات بانکی بسیار مهم است. (کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱).

---

[1] Kumar, Arora & Lahille

[2] Setiawan

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

۳ پیشینهٔ تجربی پژوهش

بزمر و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «خط‌مشی اعتباری و تغییر بدهی در اقتصادهای پیشرفته» نشان دادند که خط‌مشی اعتباری فعال برای حمایت از بخش‌های مولد اقتصاد ممکن است (علاوه بر سیاست‌های کلان احتیاطی ریسک‌محور) برای تحریک رشد اقتصادی پایدار و تضمین تأمین‌مالی کافی برای چالش‌های بزرگ اقتصادی موردنیاز باشد. کوالوا و ایورگاچوا (۲۰۲۱) در پژوهشی در کشور اوکراین، ضمن ارائهٔ ویژگی‌ها، معیارها، و شاخص‌های اصلی خط‌مشی اعتباری یک بانک در شرایط نامشخص فضای اقتصادی، تأکید کردند در شرایط عدم‌اطمینان، بانک باید عوامل محیطی بیرونی و داخلی را که بر پویایی وام‌دهی به افراد و بنگاه‌ها تأثیر مستقیم دارند در نظر بگیرد و در مرحلهٔ برنامه‌ریزی راهبردک مالی، می‌بایست نظارت بر اجرای وظایف تعیین‌شده و تنظیم به‌موقع خط‌مشی مطابق با نیاز مؤسسه بانکی برای امنیت مالی و اقتصادی موردتوجه قرار گیرد. ناجی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «بررسی عقد قرض به‌عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی» انجام داده است. وی با بررسی ویژگی‌های عقد قرض و با برشمردن مزایای این عقد، سازوکاری پیشنهاد می‌کند که براساس آن قرارداد قرض در بستری سودآور و غیرربوی در یک نظام بانکی قابل‌استفاده خواهد بود. حیدری، صادق‌پور، و دهقان‌دوست (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «رابطهٔ بین نااطمینانی تورم و میزان تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنهٔ بانک‌ها» انجام دادند. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن بود که بین نااطمینانی تورم و میزان تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه همبستگی مثبتی وجود دارد. بدین معنی که برخلاف تصور موجود، با افزایش نوسانات تورم، افزایش قیمت تمام‌شدهٔ پول برای بانک‌ها و نیز کاهش قدرت خرید مردم، میزان سپرده‌های قرض‌الحسنه و در نتیجه، تسهیلات اعطایی از محل این سپرده‌ها کاهش نمی‌یابد.

۴ روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس مبانی فلسفی پژوهش، پارادایم تفسیری است و ماهیت اکتشافی-توصیفی دارد و از منظر هدف، از نوع کاربردی است. همچنین، برای دستیابی به مدل پژوهش، از روش آمیخته استفاده شده است. جامعهٔ آماری پژوهش در بخش کیفی، خبرگان علمی (شامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور و پژوهشگران حوزهٔ بانکی دارای تألیفات علمی و پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش و پژوهشگران مرکز پژوهش‌های مجلس و پژوهشکدهٔ پولی و بانکی بانک مرکزی) و خبرگان اجرایی-مدیریتی (شامل مدیران عالی، میانی و عملیاتی بانک‌های قرض‌الحسنه ازجمله مدیران عامل،

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

اعضای هیئت‌مدیره، معاونین مدیرعامل، مدیران ادارات کل و مدیران استان‌ها و همچنین، مدیران بانک مرکزی و معاونت‌های مرتبط در وزارت امور اقتصادی و دارایی و نمایندگان فعلی و ادوار کمیسیون اقتصادی مجلس) هستند. مدیران بانک‌های قرض‌الحسنه به تعداد ۲،۳۶۳ نفر در سه طبقهٔ رؤسا و معاونین شعب و رؤسای دوایر سرپرستی استان، مدیران و معاونین استان‌ها و ادارات کل مرکزی و مدیران عالی، بخش کمّی جامعهٔ آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. در بخش کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متن‌ها بوده است. نمونهٔ آماری با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند (نمونه‌گیری قضاوتی) انتخاب شد و با ۱۵ نفر از خبرگان (هفت نفر از خبرگان علمی و هشت نفر از خبرگان اجرایی-مدیریتی) مصاحبه شد و به‌طور میانگین، هرکدام از مصاحبه‌ها بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه طول کشید و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت تا مفاهیمی که از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌شدند تکراری شد و مطلب جدیدی به مدل اضافه نشد. در بخش کمّی، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامهٔ پژوهشگرساخته مبتنی بر طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت است و براساس جدول مورگان، تعداد ۳۳۱ نفر به‌عنوان نمونهٔ پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از سه طبقهٔ بالا انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از رویکرد نظریهٔ داده‌بنیاد با رهیافت نظام‌مند اشتراوس و کوربین[1] (۱۹۹۸) با روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی و از نرم‌افزار MAXQDA20 استفاده شد و در بخش کمّی، روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار SmartPLS مورداستفاده قرار گرفت.

در بخش کیفی، پژوهش حاضر ضمن هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، پس از ثبت و ضبط مفاهیم و مقوله‌های مدل برای افزایش اعتبار، مدل پارادایمی در اختیار خبرگانی که اجرای خط‌مشی‌های اعتباری یا روش نظریهٔ داده‌بنیاد را می‌شناختند قرار گرفت. از این خبرگان خواسته شد دربارهٔ فرایند تدوین و مدل نهایی نظرات خود را ارائه دهند؛ بیشتر آن‌ها مدل را تأیید کردند و بعضی از آن‌ها نظرات اصلاحی نیز داشتند که در فرایندی رفت‌وبرگشتی، اصلاحات اعمال و نظر نهایی آن‌ها دریافت شد. همچنین، به‌منظور ایجاد تنوع در متن‌های موردبررسی، تلاش شد همهٔ انواع داده‌های متنی ازجمله کتاب‌ها، مقاله‌ها، طرح‌ها، گزارش‌ها، و تحلیل‌های منتشرشده در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف تحلیل شوند؛ به همین دلیل، فرایند بررسی این متن‌ها زمان نسبتاً زیادی طول کشید.

[1] Strauss & Corbin

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

همچنین، در بخش کیفی برای ارزیابی پایایی، از ضریب کاپای کوهن[1] استفاده شد. در بخش کمّی برای اندازه‌گیری پایایی، از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی[2] و برای سنجش روایی همگرا[3]، از میانگین واریانس استخراج‌شده[4] و برای سنجش روایی واگرا[5] نیز روش فورنل و لارکر[6] مورداستفاده قرار گرفت.

۵ یافته‌های پژوهش

در این مطالعه با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد و براساس رویهٔ کدگذاری اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)، برای تشریح و تبیین پدیدهٔ اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور مدل نظری توسعه یافت. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان حاضر در بخش کیفی این مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

---

[1] Cohen's Kappa
[2] Composite Reliability (CR)
[3] Convergent Validity (AVE)
[4] Average Variance Extracted (AVE)
[5] discriminant validity
[6] Fornell and Larker

جدول ۱

توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان بخش کیفی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی		تعداد فراوانی	درصد فراوانی
نوع خبرگان	علمی	۷	٪۴۷
	اجرایی-مدیریتی	۸	٪۵۳
جنسیت	مرد	۱۵	%۱۰۰
	زن	۰	%۰
سن	کمتر از ۳۵ سال	۱	%۷
	۳۵ تا ۴۵ سال	۹	٪۶۰
	بیشتر از ۴۵ سال	۵	%۳۳
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۴	٪۲۶
	دکتری تخصصی	۱۱	٪۷۴
سابقهٔ کاری	کمتر از ۱۰ سال	۱	%۷
	۱۰ تا ۲۰ سال	۹	٪۶۰
	بیشتر از ۲۰ سال	۵	%۳۳
کل		۱۵	%۱۰۰

۵.۱ کدگذاری باز

در این مرحله، کدگذاری باز با تحلیل دقیق، نام‌گذاری، و طبقه‌بندی داده‌ها انجام شد. برای کشف نوع ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر، پژوهشگر از پارادایم اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) به‌عنوان ابزار تحلیل برای مطالعهٔ داده‌ها شامل شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده‌محوری، راهبردها، و پیامدها استفاده کرد. از مجموع ۵۱۱ کد باز اولیه، تعداد ۷۰ کد به شرایط علّی، ۴۴ کد به شرایط زمینه‌ای، ۲۴۲ کد به راهبردها، ۹۴ کد به شرایط مداخله‌گر و ۶۱ کد به پیامدها اختصاص یافت.

۵.۲ کدگذاری محوری

در این مرحله، بین طبقه‌های تولیدشده در مرحلهٔ کدگذاری باز ارتباط برقرار شد و با غربال‌گری، حذف کدهای تکراری و یکپارچه‌سازی کدهای هم‌معنی، شاخص‌های استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها مقوله‌بندی شدند. در این پژوهش، از مجموع ۲۱۵ کد محوری، تعداد ۳۲ کد به شرایط علّی، ۲۹ کد به شرایط زمینه‌ای، ۸۲ کد به راهبردها، ۳۶ کد به شرایط مداخله‌گر و ۳۶ کد به پیامدها اختصاص یافت.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

۵.۳ کدگذاری انتخابی

در کدگذاری باز و محوری، مدل پارادایمی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور توسعه داده شد؛ مدلی که شامل شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدهاست. در مرحلهٔ کدگذاری انتخابی، مبتنی بر نتایج گام‌های پیشین، به‌منظور دستیابی به فشردگی و انسجام مفهومی در نظریه، مقولهٔ اصلی انتخاب شد و به‌شکلی نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط داده شد. در این پژوهش، از مجموع ۵۳ کد انتخابی، تعداد ۹ کد به شرایط علّی، ۸ کد به شرایط زمینه‌ای، ۱۵ کد به راهبردها، ۹ کد به شرایط مداخله‌گر و ۱۲ کد به پیامدها اختصاص یافت.

با توجه به اینکه در مرحلهٔ مصاحبه با خبرگان، سؤالات مصاحبه براساس مدل پارادایمی نظریهٔ داده‌بنیاد به شیوهٔ اشتراوس و کوربین تدوین شده است، این مدل شامل اجزا زیر خواهد بود:

- شرایط علّی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور؛
- شرایط زمینه‌ای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور؛
- شرایط مداخله‌گر اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور؛
- پدیده‌محوری اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور؛
- راهبردهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور؛
- پیامدهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور.

۱.۵.۳ مقوله‌های شرایط علّی

براساس نتایج کدگذاری ثانویهٔ پژوهش، تعداد ۹ کد انتخابی که در جدول ۲ ارائه شده است به‌عنوان کدهای انتخابی شرایط علّی مدل انتخاب شدند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۲

کدهای انتخابی و محوری مربوط به شرایط علّی

کدهای انتخابی	کدهای محوری
قوانین و دستورالعمل‌های بالادستی	اسناد و قوانین بالادستی، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های بالادستی، تعهدات و تکالیف قانونی بانک‌ها، تخصیص کامل سهمیه‌های ابلاغی، اهداف صریح قانون از تأسیس بانک‌های قرض‌الحسنه
سیاست‌های پولی و سیاست‌های احتیاطی کلان بانک مرکزی	سیاست‌های پولی، سیاست‌های احتیاطی کلان
چشم‌انداز، مأموریت و اهداف بانک‌های قرض‌الحسنه	چشم‌انداز و مأموریت سازمانی، جهت‌گیری راهبردی، ارزش‌های سازمانی، اهداف و خط‌مشی‌های سازمانی
سند خط‌مشی‌های اعتباری بانک‌های قرض‌الحسنه	خط‌مشی‌های اعتباری داخلی بانک، کیفیت خط‌مشی‌های اعتباری، شیوهٔ تدوین خط‌مشی‌های اعتباری
تجهیز و تخصیص منابع پولی قرض‌الحسنه	تجهیز منابع پولی قرض‌الحسنه، ساختار تجهیز منابع پولی قرض‌الحسنه، تخصیص منابع پولی قرض‌الحسنه، نظام تخصیص منابع، شرایط اعطای وام
ظرفیت‌ها و آمادگی سازمانی	ظرفیت‌های سازمانی، آمادگی سازمانی
بازیگران دخیل در فرایند خط‌مشی‌گذاری	تعدد بازیگران در فرایند خط‌مشی‌گذاری، ویژگی‌های بازیگران فرایند خط‌مشی‌گذاری
ذی‌نفعان خط‌مشی	ویژگی‌های ذی‌نفعان، منافع و حقوق ذی‌نفعان، انتظارات و مطالبات ذی‌نفعان، ویژگی‌های جامعهٔ هدف، انتظارات جامعهٔ هدف
مجریان خط‌مشی	آگاهی و تخصص مجریان، تعهد و مهارت مجریان، رفتار در سطح خیابان (کارکنان و مدیران صف)، مدیریت و رهبری

۲.۵.۳ مقوله‌های شرایط زمینه‌ای

براساس نتایج کدگذاری ثانویهٔ پژوهش، تعداد ۸ کد انتخابی که در جدول ۳ ارائه شده است به‌عنوان کدهای انتخابی شرایط زمینه‌ای مدل انتخاب شدند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۳

کدهای انتخابی و محوری مربوط به شرایط زمینه‌ای

کدهای انتخابی	کدهای محوری
پیچیدگی محیط	شرایط محیطی، تلاطم محیطی، پویایی محیط، عوامل محیطی مربوط به نظام بانکداری
ارزش‌های عمومی و سرمایهٔ دینی جامعه	نظام ارزشی جامعه، اشتراکات ارزشی دینی و معنوی
استانداردهای بین‌المللی بانکی	استانداردهای بین‌المللی بانکی، استانداردهای بانکی اسلامی، شاخص‌ها و استانداردهای نظام بانکداری
ماهیت و مسئولیت متمایز بانک‌های قرض‌الحسنه در نظام پولی	نوع و ماهیت بانک، اهمیت و جایگاه راهبردی بانک، ویژگی‌های بانک، مسئولیت متمایز بانک، مدل کسب‌وکار بانک
اجرای خصوصی خط‌مشی عمومی	نوع مالکیت بانک، شراکت عمومی خصوصی، ارتباط بخش پولی با بخش واقعی اقتصاد، التزام بانک‌ها به اجرای سیاست‌های اقتصادی و پولی دولت
اصول شریعت و موازین فقهی اسلام	اصول و قواعد شریعت اسلام
ویژگی‌های اختصاصی و ظرفیت عقد قرض‌الحسنه	نبودن محدودیت‌های سایر عقود در عقد قرض، آزادی عمل‌های موجود در محل مصرف وام قرض‌الحسنه، قیمت تمام‌شدهٔ پایین پول در بانکداری قرض‌الحسنه
شرایط خاص رقابتی صنعت بانکداری (پویایی و رقابت در بازار پولی)	بازار رقابتی پولی، پویایی صنعت بانکداری، خصوصیات صنعت بانکداری، ویژگی‌های محیط رقابت بانکی، شدت رقابت در شبکهٔ بانکی، مزیت رقابتی بانک‌های قرض‌الحسنه، قیمت تمام‌شدهٔ پول در بانک‌ها

۳.۵.۳ مقوله‌های شرایط مداخله‌گر

براساس نتایج کدگذاری ثانویهٔ پژوهش، تعداد ۹ کد انتخابی که در جدول ۴ ارائه شده است به‌عنوان کدهای انتخابی شرایط مداخله‌گر مدل انتخاب شدند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۴

کدهای انتخابی و محوری مربوط به شرایط مداخله‌گر

کدهای انتخابی	کدهای محوری
ابهام و عدم‌قطعیت محیطی	ابهام، عدم‌قطعیت
عدم‌قطعیت اقتصادی	عدم‌ثبات اقتصادی، عدم‌قطعیت سیاست اقتصادی، نااطمینانی تورم، توسعه‌نیافتگی بازار مالی
دخالت مستقیم و غیرمستقیم بیرونی	دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی، فشارهای هم‌زمان، سلطهٔ دولت، عدم‌استقلال بانک مرکزی
منطق متضاد دولت و بازار	تضاد بین ارزش‌های دولت و بازار، عدم‌تعادل بین عقلانیت و خواسته‌های دولت و بازار، تضاد خواسته‌های اغلب متناقض قانون، هنجارهای حرفه‌ای و کاربران هدف با زمان و منابع محدود در اختیار
نگرش بالادستی نسبت به قرض‌الحسنه	فردی و داوطلبانه دانستن قرض‌الحسنه از سوی بازیگران خط‌مشی، ذهنیت و نگاه محدود بانک مرکزی نسبت به قرض‌الحسنه، فقدان نگرش یکپارچه و کلان به قرض‌الحسنه، عدم‌شکل‌گیری فهم صحیح از قرض‌الحسنه، تصویر ذهنی جامعه از بانک، محدودیت‌های بانک
محدودیت منابع پولی قرض‌الحسنه	تنگنای اعتباری، تعهدی‌بودن منابع بانک، سهم اندک سپرده‌های قرض‌الحسنه در شبکهٔ بانکی، محدودیت در روش‌های سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه
عوامل ساختاری	سازمان و تشکیلات، منابع انسانی، عوامل مالی و پشتیبانی
عوامل فرایندی	فرایندهای داخلی، هماهنگی، ارتباط سازمانی، تعارض منافع، بروکرات‌های سطح خیابان (مجریان و مدیران صف)، مشارکت، نظارت، فرایند خط‌مشی‌گذاری
عوامل قانونی و فقهی	نقص و ابهام در قوانین و مقررات نظام بانکی، محدودیت‌های قانونی اعمال‌شده در زمینهٔ قرض‌الحسنه

۴.۵.۳ مقوله‌های راهبردها

براساس نتایج کدگذاری ثانویهٔ پژوهش، تعداد ۱۵ کد انتخابی که در جدول ۵ ارائه شده است به‌عنوان کدهای انتخابی راهبردها در مدل انتخاب شدند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۵

کدهای انتخابی و محوری مربوط به راهبردها

کدهای انتخابی	کدهای محوری
اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات پولی و بانکی	اصلاح قوانین و مقررات پولی و بانکی، تدوین قوانین و مقررات مبتنی بر مقتضیات زمان، افزایش سازگاری قوانین و مقررات پولی و بانکی با بانکداری قرض‌الحسنه، اصلاح و به‌روزرسانی اساسنامهٔ بانک‌های قرض‌الحسنه، افزایش روش‌های سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه با پیوند آن با سایر عقود اسلامی، اصلاح رابطهٔ حقوقی جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه مبتنی بر عقد وکالت و امانت، حذف دریافت کارمزد از وام قرض‌الحسنه
تدوین خط‌مشی‌ها مبتنی بر اصول و روش علمی	تدوین خط‌مشی‌ها و قوانین مبتنی بر اصول علمی، خط‌مشی‌گذاری مشارکتی (خط‌مشی‌گذاری باز)، همکاری و تعامل بین دست‌اندرکاران فرایند خط‌مشی‌گذاری
حمایت و پشتیبانی قانونی و معنوی در سطح کلان از مأموریت بانک	تغییر بنیادین نگرش نهادهای بالادستی نسبت به قرض‌الحسنه، حمایت حقوقی و قانونی، حمایت معنوی در سطح ملی از رسالت بانک، نقش حمایتی دولت و نهادهای اقتصادی دولت
ظرفیت‌سازی	ظرفیت‌سازی و توسعه و گسترش ظرفیت‌ها، توسعهٔ بازار بانکداری قرض‌الحسنه و رشد سهم بانک در این بازار، اعمال ظرفیت آینده‌نگری، توسعهٔ منابع، ارزیابی و تجزیه‌وتحلیل محیط، بازاریابی، استفاده از تکنیک‌های تبلیغات مؤثر، اطلاع‌رسانی مناسب
ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه	بسترسازی فرهنگی، تبلیغ و ترویج قرض‌الحسنه، فرهنگ‌سازی قرض‌الحسنه، استفاده از سفیران تبلیغ و تبیین، اصلاح و تغییر نگرش مردم نسبت به قرض‌الحسنه، نهادینه‌سازی جایگاه قرض‌الحسنه، تبدیل بانک قرض‌الحسنه به‌عنوان مرجعیت علمی قرض‌الحسنه در جهان
گسترش و تنوع ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری	طراحی ابزارهای اجرای خط‌مشی اعتباری، ابزارسازی جهت خط‌مشی‌گذاری پولی کارا و مبتنی بر اصول شریعت، تنوع‌بخشی به ابزارهای اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، تولید محصولات و خدمات نوین اعتباری بر پایهٔ قرض‌الحسنه، گردآوری مستمر اطلاعات و افکارسنجی و پایش ایده، تحلیل و نظارت بر عملیات اعتباری با پشتیبانی اطلاعاتی مناسب، نوآوری‌گرایی
نهادینه‌سازی (کاربست) حاکمیت شرکتی	اجرای اصول حاکمیت شرکتی، مسئولیت‌پذیری نسبت به ذی‌نفعان، ارتباطات و تعامل میان ذی‌نفعان، پاسخ‌گویی نسبت به ذی‌نفعان، اعتمادسازی میان ذی‌نفعان، افشا و گزارش‌دهی، شفافیت
توسعه و توانمندسازی مجریان	آموزش و توسعهٔ سرمایهٔ انسانی، توانمندسازی سرمایهٔ انسانی، ایجاد انگیزه در مجریان، توسعهٔ ظرفیت‌های آموزشی
مدیریت جامعهٔ هدف	بخش‌بندی بازار، انتخاب بازار هدف، توزیع بهینهٔ تسهیلات، شناسایی و خلق ارزش، فرهنگ‌سازی جامعهٔ هدف، مشارکت جامعهٔ هدف
مشتری‌محوری	شناسایی و توجه به نیازها، ترجیحات، خواسته‌ها و انتظارات مشتریان، مدیریت نیازهای مشتریان، مدیریت ارتباط با مشتری و مدیریت تجربهٔ مشتری، تأمین تجربهٔ پیشرفتهٔ مشتری، تغییر نوع نگرش به مشتری، بهبود کیفیت ارائه خدمات، تسهیل شرایط اعطای اعتبار، ارائهٔ خدمات آنلاین، هوشمند و مبتنی بر فنّاوری اطلاعات
شناخت رقبا و افزایش توان رقابت	شناخت و پایش رقبا، تدوین راهبردهای رقابتی، الگوبرداری از رقبا
تثبیت جایگاه بانک در نظام پولی کشور	جایگاه‌یابی، هم‌افزایی برای افزایش بهره‌مندی از ظرفیت‌های قرض‌الحسنه در شبکهٔ بانکی
اصلاح و تقویت نظام کنترل داخلی	به‌کارگیری اصول و استانداردهای کنترل داخلی، پایبندی به خط‌مشی‌های رعایت قوانین و مقررات (تطبیق)، رعایت اصول نقدینگی، منفعت، امنیت و نظارت، محیط کنترلی،

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

	بهداشت اعتباری، تدوین اصولی برنامهٔ عملیاتی، تطبیق‌پذیری حداکثری خط‌مشی‌ها، ابزارها و اجرای آن با شریعت، به‌کارگیری ناظر شرعی (هیئت یا کمیتهٔ نظارت شرعی)، رفع شبههٔ ربا و سایر شبهات شرعی موجود در عملیات اعتباری بانک
مدیریت جامع ریسک‌های صنعت بانکداری	جمع‌آوری اطلاعات، گزارش‌دهی و افشای ریسک، شناسایی، محاسبه، نظارت و کنترل انواع ریسک‌های بانکی، افزایش ظرفیت ریسک و ریسک‌پذیری، مدیریت ریسک
بهره‌مندی از (کاربست) نتایج ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری	تعریف دقیق شاخص‌های ارزیابی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، ارزیابی مستمر، ارزیابی یکپارچه

۵.۵.۳ مقوله‌های پیامدها

براساس نتایج کدگذاری ثانویهٔ پژوهش، تعداد ۱۲ کد انتخابی که در جدول ۶ ارائه شده است به‌عنوان کدهای انتخابی پیامدها در مدل انتخاب شدند.

جدول ۶

کدهای انتخابی و محوری مربوط به پیامدها

کدهای انتخابی	کدهای محوری
توانمندسازی	توانمندسازی اقشار مختلف، افزایش سطح رفاه عمومی، دسترسی به اعتبار، فراهم‌کردن بستر مناسب برای مشارکت عمومی در توسعهٔ نظام اقتصاد اسلامی، گردش ثروت بین مردم جامعه
آثار معنوی	برکت، اعتلای معنوی، هم‌گرایی ارزش‌های مشترک، حفظ کرامت انسانی
اعتماد عمومی	جلب و حفظ اعتماد عمومی، اعتمادسازی به بانکداری قرض‌الحسنه
رضایت عمومی و وفاداری	رضایتمندی مردم و مشتریان، وفاداری مشتریان
افزایش اعتبار عمومی نظام بانکی	بهبود عملکرد در بخش تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه، زمینه‌سازی تحقق رسالت اجتماعی و رشد صنعت بانکداری
ارتقای جایگاه فرهنگ قرض‌الحسنه در جامعه	احیاء، تثبیت و توسعهٔ فرهنگ قرض‌الحسنه، توسعهٔ اکوسیستم قرض‌الحسنه
توسعهٔ سهم قرض‌الحسنه از بازار پولی	توسعهٔ بازار و افزایش سهم از بازار، جذب مشتریان جدید، ارتقاء جایگاه برند
تقویت شمول مالی بانک	گسترش شمولیت مالی بانک، افزایش ضریب نفوذ خدمات بانک به آحاد مختلف جامعه
مشروعیت سازمانی	مشروعیت‌بخشی، ارتقا جایگاه بانک در جامعه و مراجع قانونی و نظارتی، ضرورت وجود بانک قرض‌الحسنه برای جامعه، صیانت از حقوق ذی‌نفعان
بهبود کارایی و اثربخشی بانک (ارتقا بهره‌وری)	کارایی، سودآوری، اثربخشی
بهبود نسبت‌های مالی و شاخص‌های سلامت مالی بانک	بهبود نسبت‌های مالی، ثبات و کفایت مالی، اصلاح و بهبود صورت‌های مالی بانک، هدایت صحیح نقدینگی
کاهش آسیب‌پذیری بانک در برابر بحران‌های مالی	پیشگیری از ناترازی، کاهش آسیب‌پذیری از متغیرهای اقتصادی داخلی، کاهش آسیب‌پذیری از تکانه‌های بین‌المللی

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

برای ارزیابی پایایی بخش کیفی، از ضریب کاپای کوهن استفاده شد. بدین منظور، میزان توافق میان دو کدگذار موردارزیابی قرار گرفت. ضریب کاپا و تحلیل آماری مبتنی بر آن اندازه‌ای بین ۱- تا ۱+ است. هرچه این عدد به ۱ نزدیک‌تر باشد، بیانگر وجود توافق متناسب است و اندازهٔ کاپای بالای ۰/۶ موردقبول است. بنابراین، با توجه به جدول ۷ میزان پایایی مطلوب است.

جدول ۷

محاسبهٔ ضریب کاپای کوهن

Symmetric Measures

		Value	Asymptotic Standardized Error[a]	Approximate T[b]	Approximate Significance
Measure of Agreement	Kappa	.683	.052	8.855	.000

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

در شکل ۱، مدل مفهومی پژوهش نشان داده شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

۵.۴ بررسی مدل کلی پژوهش

در گام نخست در بخش کمّی، وضعیت مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونهٔ آماری مطابق جدول ۸ به تجزیه‌وتحلیل شده است.

جدول ۸

توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونهٔ آماری بخش کمّی

متغیر		تعداد فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۳۱۱	۹۴
	زن	۲۰	۶
سن	کمتر از ۳۵ سال	۸۶	۲۶
	۳۵ تا ۴۵ سال	۲۳۵	۷۱
	بیشتر از ۴۵ سال	۱۰	۳
تحصیلات	کارشناسی	۱۷۹	۵۴
	کارشناسی ارشد	۱۳۹	۴۲
	دکتری تخصصی	۱۳	۴
سابقهٔ کاری	کمتر از ۱۰ سال	۶۳	۱۹
	۱۰ تا ۲۰ سال	۲۶۱	۷۹
	بیشتر از ۲۰ سال	۷	۲
سِمت	رئیس و معاون شعبه و رئیس دایرهٔ سرپرستی استان	۲۹۲	۸۸
	مدیر و معاون استان‌ها و ادارات کل مرکزی	۳۶	۱۱
	مدیران عالی	۳	۱
کل		۳۳۱	۱۰۰

در مرحلهٔ مربوط به بررسی مدل اندازه‌گیری، برای بررسی روایی (اعتبار سازه) گویه‌ها، با کمک روش تحلیل عاملی تأییدی، مقادیر بارهای عاملی آن‌ها محاسبه شد. بارهای عاملی از طریق محاسبهٔ مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از مقدار ۰/۴ باشد، مؤید این است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده است و پایایی دربارهٔ آن مدل اندازه‌گیری قابل‌قبول است. مطابق شکل ۲ در پژوهش حاضر، تمامی بارعاملی گویه‌ها بالاتر از ۰/۴ است. بنابراین، همگی آن‌ها از اعتبار مناسبی برخوردارند و تأیید می‌شوند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

برای اندازه‌گیری پایایی، از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد و برای سنجش روایی همگرا، از میانگین واریانس استخراج‌شده و برای سنجش روایی واگرا نیز از روش فورنل و لارکر بهره گرفته شد. همان‌طور که نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد، مدل اندازه‌گیری تمام معیارهای کیفیت و پایایی را برآورده می‌کند. اول، همهٔ ضرایب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ و مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده بالاتر از ۰/۵ هستند. بنابراین، می‌توان گفت پرسش‌نامه از پایایی و روایی همگرای مطلوبی برخوردار است.

جدول ۹

شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج‌شده

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج‌شده	نتیجه
شرایط علّی	۰/۸۰۷	۰/۸۶۷	۰/۵۷۲	مطلوب
شرایط زمینه‌ای	۰/۷۸۰	۰/۸۶۰	۰/۶۰۹	مطلوب
شرایط مداخله‌گر	۰/۷۹۲	۰/۸۵۵	۰/۵۴۱	مطلوب
مقولهٔ اصلی	۰/۸۲۳	۰/۸۸۴	۰/۶۵۶	مطلوب
راهبردها	۰/۷۸۱	۰/۸۵۱	۰/۵۳۴	مطلوب
پیامدها	۰/۷۶۳	۰/۸۴۸	۰/۵۸۳	مطلوب

همچنین، روایی واگرا وقتی در سطح قابل‌قبولی است که میزان میانگین واریانس استخراج‌شده برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. همان‌طور که در جدول ۱۰ نشان داده شده است، مقادیر موجود بر قطر اصلی ماتریس، از کلیهٔ مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگ‌تر است. بنابراین، می توان گفت روایی واگرا در این پژوهش قابل‌قبول بوده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۱۰

نتایج روایی واگرا (روش فورنل و لارکر)

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶
راهبردها	۰/۷۳۱					
شرایط زمینه‌ای	۰/۷۱۱	۰/۷۸۰				
شرایط علّی	۰/۶۳۱	۰/۵۴۸	۰/۷۵۷			
شرایط مداخله‌گر	۰/۵۵۰	۰/۴۸۶	۰/۵۷۹	۰/۷۳۶		
مقولهٔ اصلی	۰/۴۸۰	۰/۳۳۶	۰/۵۰۵	۰/۴۴۸	۰/۸۱۰	
پیامدها	۰/۲۱۶	۰/۱۸۲	۰/۳۴۱	۰/۳۲۵	۰/۴۰۵	۰/۷۶۴

برای بررسی برازش کلی مدل پژوهش، از معیارهای ضریب تعیین[1] و شاخص آزمون نیکویی برازش[2] استفاده شد. معیار ضریب تعیین فقط برای سازه‌های درون‌زای مدل (متغیرهای وابسته) محاسبه می‌شود و مقدار این معیار در سازه‌های برون‌زا صفر است. همچنین، معیار آزمون نیکویی برازش به بخش کلی معادله‌های ساختاری مربوط می‌شود. معیار ضریب تعیین معیاری است که برای اتصال بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل‌سازی معادله‌های ساختاری به‌کار می‌رود و نشان‌دهندهٔ تأثیری است که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. چین[3] (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی‌بودن برازش بخش ساختاری مدل به‌وسیلهٔ معیار ضریب تعیین در نظر گرفته است. با توجه به جدول ۱۱، می‌توان بیان کرد که مقادیر ضریب تعیین در سطح قوی برای برازش بخش ساختاری مدل قرار گرفته است و مقادیر Q^2 مثبت و در سطح مطلوب و قابل‌قبولی محاسبه شده است؛ به‌نحوی که قدرت قابل‌قبول مدل در پیش‌بینی متغیرهای مذکور را نشان می‌دهد. جهت ارزیابی مقدار برازندگی کل مدل از طریق شاخص آزمون نیکویی برازش، این‌گونه است که هرچه مقدار این شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهندهٔ قدرت برازندگی بالای مدل است و هرچه به صفر نزدیک شود، حکایت از برازش ضعیف مدل دارد. همان‌طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، مقدار معیار ضریب تعیین برابر با ۰/۵۷۹ محاسبه شده است که برازش قوی مدل کلی پژوهش را نشان می‌دهد.

---

[1] Coefficient of Determination (R^2)

[2] Goodness of fit (GOF)

[3] Chin

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۱۱

نتایج برازش کلی مدل با معیار ضریب تعیین

متغیرها	Q^2	ضریب تعیین	مقادیر اشتراکی
شرایط علّی	-	-	۰/۵۷۲
شرایط زمینه‌ای	-	-	۰/۶۰۹
شرایط مداخله‌گر	-	-	۰/۵۴۱
مقوله اصلی	۰/۴۱۱	۰/۷۸۵	۰/۶۵۶
راهبردها	۰/۳۲۵	۰/۴۲۱	۰/۵۳۴
پیامدها	۰/۳۸۵	۰/۵۳۳	۰/۵۸۳
میانگین	-	۰/۵۷۹	۰/۵۸۲

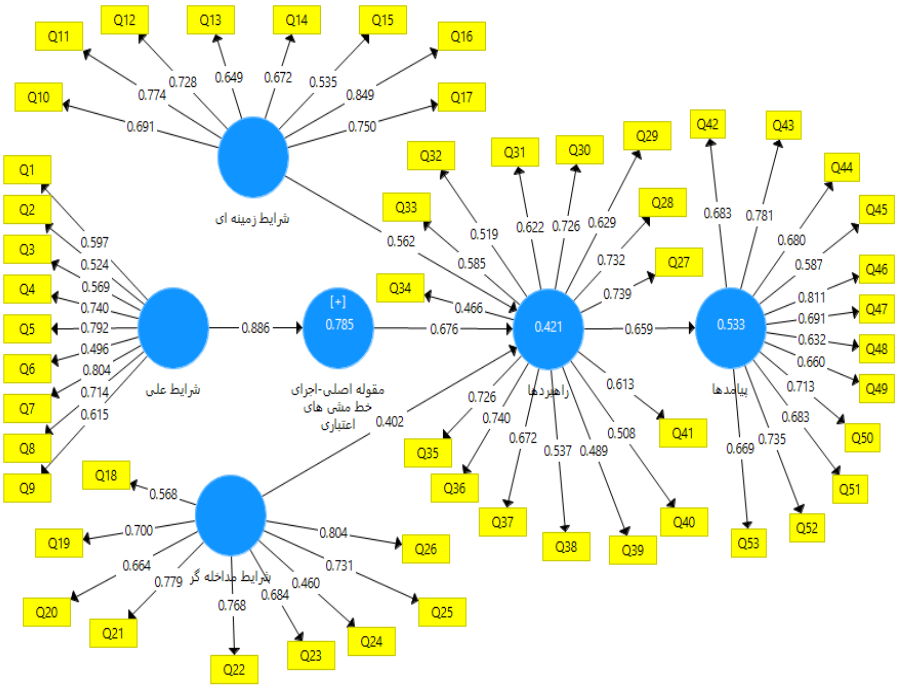
$$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} \times \overline{R^2}} = \sqrt{0.582 \times 0.579} = 0.579$$

سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌ترتیب نمایان‌گر برازش ضعیف، متوسط و قوی هستند.

شکل ۲ خروجی نرم‌افزار را در حالت تخمین ضرایب مسیر و ضرایب تعیین نشان می‌دهد. اعدادِ روی مسیرها نشان‌دهندهٔ ضریب مسیر هستند و اعدادِ داخل دوایر، برای متغیرهای درون‌زا، مقدار ضریب تعیین را نشان می‌دهند؛ اعدادِ روی فلش‌های متغیرهای پنهان نیز بیان‌گر بارهای عاملی هستند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

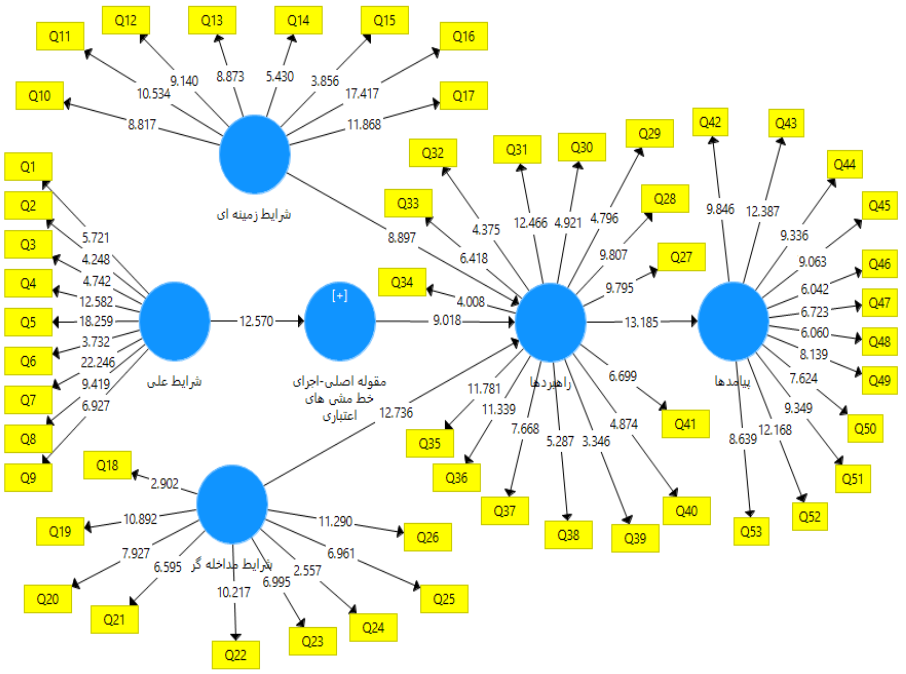


شکل ۲. مدل با ضرایب استانداردشدهٔ بار عاملی و ضرایب مسیر

شکل ۳ مدل را در حالت آمارهٔ معناداری[1] را نشان می‌دهد. اعداد مشخص‌شده روی فلش‌ها نشان‌دهندهٔ این مقادیر T-value هستند. جهت آزمون فرضیه‌های مدل پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقادیر بزرگ‌تر و مساوی قدرمطلق ۱/۹۶، به‌معنای وجود ارتباط مستقیم بین دو متغیر، است.

[1] T-value

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]



شکل ۳. مدل با ضرایب T-values

خلاصهٔ نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها در جدول ۱۲ گزارش شده است. همچنین، از روش بوت استرپینگ[1] برای آزمون و تأیید اعتبار فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضریب بتا و آمارهٔ t استفاده شد. مقدار آمارهٔ t مربوط به تمامی متغیرها بیشتر از ۱/۹۶ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است. در نتیجه با توجه به داده‌های گردآوری‌شده، فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند.

[1] bootstrapping approach

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

جدول ۱۲

نتایج مربوط به معناداری روابط بین متغیرها

مسیر: متغیر مستقل ← متغیر وابسته	β	T_value	سطح معناداری	نتیجه
شرایط علّی ← مقولهٔ اصلی	۰/۸۸۶	۱۲/۵۷۰	۰/۰۰۰	تأیید✓
مقوله اصلی ← راهبردها	۰/۶۷۶	۹/۰۱۸	۰/۰۰۰	تأیید✓
راهبردها ← پیامدها	۰/۶۵۹	۱۳/۱۸۵	۰/۰۰۰	تأیید✓
شرایط زمینه‌ای ← راهبردها	۰/۵۶۲	۸/۸۹۷	۰/۰۰۰	تأیید✓
شرایط مداخله‌گر← راهبردها	۰/۴۰۲	۱۲/۷۳۶	۰/۰۰۰	تأیید✓

۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بانک‌ها مانند سایر سازمان‌ها و متأثر از سیاست‌ها و خطی‌مشی‌های دولتی و عمومی و براساس آخرین الزامات قانونی و مسائل درون‌سازمانی، اقدام به تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی می‌کنند که در این رهگذر آنچه در بخش اعتبارات صورت می‌گیرد، خط‌مشی‌های اعتباری نامیده می‌شود. در این راستا، هدف از پژوهش حاضر ارائهٔ مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنهٔ کشور است. به‌طور کلی، خط‌مشی اعتباری می‌تواند از دو منظر موردتحلیل و بررسی قرار گیرد. اول و از نگاه کلان، سیاست‌های جاری بانک‌های مرکزی را می‌توان به سیاست پولی، سیاست اعتباری و سیاست احتیاطی کلان دسته‌بندی کرد. از این منظر، خط‌مشی اعتباری، به‌عنوان یک مکمل مفید برای مجموعه‌ابزارهای بانک‌های مرکزی، در نظر دارد با ایجاد تغییراتی در ترکیب دارایی‌های بانک مرکزی، شرایط اعتباری را در اقتصاد تسهیل کند و بر جریان سرمایه یا تخصیص اعتبار در بخش واقعی اقتصاد تأثیر بگذارد. دوم و از نگاه خرد، خط‌مشی اعتباری مبتنی بر جهت‌ها، اولویت‌ها، اصول، و اهداف بانک به‌عنوان جزء مهم و جدانشدنی خط‌مشی‌های کلان یک بانک شناخته می‌شود و براساس رویکرد کلی وام‌دهی، نظام قوانین، معیارها، و اقدامات بانک در زمینهٔ اعطای وام به مشتریان، جهت‌هایی را برای تدوین سند داخلی بانک تعیین می‌کند که حاوی راهبردها و تاکتیک‌هایی برای پیروی در فرایند اعطای اعتبار است.

به‌رغم اینکه پژوهش‌های بسیاری در زمینهٔ اجرای خط‌مشی انجام شده است، تاکنون پژوهش مستقلی دربارهٔ اجرای خط‌مشی‌های اعتباری صورت نگرفته است و در پژوهش‌های پیشین نمونهٔ مشابه پژوهش حاضر مشاهده نشده است. پژوهش‌های خارجی مرتبط با

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

پژوهش حاضر عمدتاً در دو حوزهٔ تعریف و تبیین مفهوم خط‌مشی اعتباری و تأثیر خط‌مشی‌های اعتباری بر عوامل کلان اقتصادی قابل‌طبقه‌بندی هستند (بزمر و همکاران، ۲۰۲۳؛ بارا و راجییرو، ۲۰۲۳؛ کوالوا و ایورگاچوا، ۲۰۲۱ و لی، ۲۰۱۹) و پژوهش‌های داخلی مرتبط با پژوهش حاضر نیز عمدتاً مفهوم، الگوها، و آسیب‌شناسی قرض‌الحسنه و تأثیر و تأثر قرض‌الحسنه با عوامل کلان اقتصادی را موردبررسی قرار داده‌اند (ناجی، ۱۳۹۸؛ جعفری و شاه‌آبادی، ۱۳۹۸؛ توحیدی‌نیا و فولادگر، ۱۳۹۷ و حیدری و همکاران، ۱۳۹۶). شایان توجه است پژوهش‌های مربوط به قرض‌الحسنه اغلب از دیدگاه فقه، حقوق، و اقتصاد به مسئله نگاه کرده‌اند و از منظر تئوری‌های مدیریت به این موضوع پرداخته نشده است. هم‌راستا با یافته‌های پژوهش حاضر، یافته‌های بارا و راجییرو (۲۰۲۳) نشان می‌دهد خط‌مشی اعتباری به‌طور قابل‌توجهی بر کیفیت اعتبار و به‌طور خاص بر وام‌های غیرجاری تأثیر می‌گذارند و همچنین، می‌تواند در کاهش ریسک‌های مربوط به افزایش نسبت وام‌های غیرجاری سودمند باشد. به‌علاوه، یافته‌های پژوهش کوالوا و ایورگاچوا (۲۰۲۱) نشان می‌دهد دو نوع عوامل کلان و خرد در شکل‌گیری خط‌مشی اعتباری بانک مؤثرند و کارکرد خط‌مشی اعتباری در درجهٔ اول با هدف حداکثرکردن منابع برای پاسخ سریع به عدم‌قطعیت‌های محیط خارجی و داخلی است. شاخص‌های کلیدی وضعیت کلان اقتصاد، اصول اساسی سیاست پولی بانک مرکزی، ویژگی‌های اجرای خط‌مشی اعتباری از سوی بانک‌های رقیب در بازار پول و اعتبار، پتانسیل اقتصادی و ویژگی‌های منطقه‌ای یک بانک، وضعیت بخش پولی-بانکی، و پشتیبانی قانونی و نظارتی ازجمله عوامل کلان مؤثر بر خط‌مشی اعتباری و همچنین، مشتریان بانک و چشم‌انداز توسعهٔ پایگاه مشتری، کیفیت اطلاعات و سیستم پشتیبانی تحلیلی برای مدیریت عملیات اعتباری بانک، شایستگی کارکنان در کار با طبقات مختلف وام‌گیرندگان و انواع محصولات اعتباری، سطح ریسک اعتباری، و سهم مطالبات معوق در ساختار پرتفوی وام یک بانک از عوامل خرد مؤثر بر خط‌مشی اعتباری بانک به‌شمار می‌روند.

پژوهش حاضر به‌دنبال ارائهٔ مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری از منظر داخلی بانک و مبتنی بر خط‌مشی‌های اعتباری کلان بوده است و یافته‌های حاصل از آن روابط پنج بُعد اصلی شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها حول پدیده‌محوری، یعنی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، را نشان داده است. سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان بانک مرکزی و تکالیف قانونی بانک‌ها که اساساً سند خط‌مشی‌های اعتباری بانک‌ها نیز مبتنی بر آن تدوین می‌شود از عوامل مهم تأثیرگذار بر اجرای خط‌مشی‌های اعتباری‌اند. در بانک‌های قرض‌الحسنه، به‌عنوان بانک‌هایی تخصصی که

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

نقش متمایزی در نظام پولی کشور برعهده دارند، ارزش‌ها و مطالبات ذی‌نفعان نیز در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری عاملی تأثیرگذار است و ازآنجاکه عقد قرض، مبتنی بر اصول شریعت و موازین فقهی اسلام از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است، اجرای خط‌مشی‌های اعتباری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قرض‌الحسنه، در بستر مدل خاص کسب‌وکار این بانک‌ها در بازار پول نیز تحقق خواهد یافت. این مهم علاوه بر ضرورت شناخت جامع و فهم صحیح قرض‌الحسنه، مستلزم اصلاحات اساسی فرایند خط‌مشی‌گذاری اعتباری در لایه‌های مختلف حکمرانی اقتصادی است. همچنین، اجرای مؤثر خط‌مشی‌های اعتباری، ضمن گسترش شمولیت مالی بانک، موجب توسعهٔ اکوسیستم قرض‌الحسنه در شبکهٔ بانکی خواهد شد.

ازجمله موضوعات حائز اهمیت در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، انطباق عملیات بانکی با استانداردهای بین‌المللی این حوزه است. در همین راستا، استانداردهای هیئت‌خدمات مالی اسلامی[1] و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی[2]، به‌عنوان مهم‌ترین منابع مرجع، برای تطبیق عملیات مالی با احکام شریعت اسلام در نظر گرفته می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاضر و کدهای استخراج‌شده در مدل اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه با استانداردهای شمارهٔ ۱، ۳، ۴، ۹، ۱۰ و ۱۷ هیئت‌خدمات مالی اسلامی شامل مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی، افشای اطلاعات برای بهبود شفافیت و نظم بازار، مدیریت کسب‌وکار، سیستم‌های نظارت شرعی و قانون‌گذاری مالی اسلامی هم‌راستا بوده است و همچنین، با برخی استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی ازجمله استانداردهای شرعی (نکول در بازپرداخت بدهی، تضامین، تبدیل یک بانک متعارف به یک بانک اسلامی، مدیریت نقدینگی و کاربرد شریعت در محصولات و خدمات بانکداری)، استانداردهای حسابداری (ارائه و افشای عمومی در صورت‌های مالی)، استانداردهای حسابرسی (انطباق با اصول و قواعد شریعت)، استانداردهای راهبری (بررسی شرعی داخلی، مسئولیت اجتماعی شرکتی)، و اصول اخلاقی (ضوابط اخلاقی کارکنان) نیز هم‌راستا هستند.

با توجه به اینکه بانک‌های قرض‌الحسنه پدیده‌ای نوآورانه و جدید در بازار پولی کشور محسوب می‌شوند، حمایت از این بانک‌ها در سطح کلان نقش مهمی در تقویت آن‌ها برای دستیابی به مأموریت خود و گسترش بانکداری اسلامی و قرض‌الحسنه در جامعه در پی

[1] Islamic Financial Services Board (IFSB)

[2] Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

خواهد داشت. این حمایت‌ها می‌بایست از سوی دولت و بانک مرکزی خصوصاً در زمینهٔ اصلاح قوانین حاکم بر نظام بانکی صورت گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر به نهادهای دخیل در فرایند خط‌مشی‌گذاری در حوزهٔ پولی و بانکی، براساس مدل استخراج‌شده از یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌کند ضمن تغییر بنیادین نگرش خود نسبت به ظرفیت قرض‌الحسنه، خط‌مشی‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های پولی و بانکی را اصلاح و به‌روزرسانی کنند و مبتنی بر اصول و روش‌های علمی خط‌مشی‌گذاری و در بستر خط‌مشی‌گذاری باز، زمینهٔ مشارکت نخبگان، مجریان و سایر ذی‌نفعان را نیز فراهم آورند. ازآنجاکه بخش اعظم قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های پولی و بانکی کشور مطابق با عملیات بانکداری تجاری است، فقدان نگاهی تخصصی و جامع در سطوح بالای سیاست‌گذاری پولی و اعتباری دربارهٔ بانک‌های قرض‌الحسنه کاملاً مشهود است و تدوین خط‌مشی‌ها و قوانین بانکداری مطابق با ماهیت و نیازهای بانکداری قرض‌الحسنه نیز بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در بانک‌های قرض‌الحسنه که بانک‌هایی تخصصی در این حوزه هستند، مستلزم تدوین قوانین اختصاصی و تسهیل‌گر برای این بانک‌هاست. در این راستا، اصلاح و به‌روزرسانی قوانین مربوط به بانکداری قرض‌الحسنه، به‌ویژه، بانک‌های قرض‌الحسنه، و سازگاری و انطباق آن با نیازهای جامعه در این نوع بانکداری می‌تواند در تقویت نقش این بانک‌ها در نظام مالی کشور مؤثر باشد. در این راستا، گسترش سبد خدماتی و اعتباری بانک و تنوع در روش‌های سپرده‌پذیری قرض‌الحسنه از طریق پیوند آن با سایر عقود شرعی ازجمله وکالت، امانت، وقف، صلح، هبه، و غیره نیز مؤثر خواهد بود. همچنین، پیشنهاد می‌شود کلیهٔ عملیات مربوط به تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه، به‌طور خاص، به بانک‌های تخصصی قرض‌الحسنه واگذار شود.

در بانک‌های قرض‌الحسنه، به‌مثابه بانکی اجتماعی، علاوه بر شاخص‌های کلان مالی و سودآوری، تحقق رسالت اجتماعی، یعنی افزایش شمولیت و دسترسی‌پذیری عمومی به وام‌های قرض‌الحسنه، پایبندی به اصول بانکداری مبتنی بر شرع اسلام، و گسترش قرض‌الحسنه نیز حائز اهمیت است. بنابراین، به بانک‌های قرض‌الحسنه نیز پیشنهاد می‌شود با تأکید بر بازار بانکداری خرد، علاوه‌بر گسترش تنوع در شیوه‌های تأمین‌مالی قرض‌الحسنه، با نگاهی به بخش‌های مختلف اقتصادی و هماهنگ با بازارهای هدف، محصولات و خدمات نوین اعتباری بر پایهٔ قرض‌الحسنه را توسعه دهند. تسهیل فرایند اعطای اعتبار، خصوصاً پرداخت وام مبتنی بر اعتبارمحوری متقاضی به‌جای ضامن‌محوری و وثیقه‌محوری، علاوه‌بر تأمین رضایت و خلق تجربه‌ای منحصربه‌فرد برای مشتریان، موجب ارتقای کارایی اجرای خط‌مشی‌های اعتباری خواهد شد. در این راستا، توسعه و بهبود

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

زیرساخت‌های فنّاورانه و ارائهٔ آنلاین و غیرحضوری خدمات اعتباری در بستر بانکداری دیجیتالی و هوشمند با بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی و APIهای باز، فین‌تک‌ها، بلاکچین، متاورس، سوپراپلیکیشن‌ها، و نئوبانک‌ها ضمن تسهیل در توسعهٔ اکوسیستم قرض‌الحسنه، موجب ارتقای کیفیت ارائهٔ خدمات اعتباری و تجربهٔ مشتری خواهد شد. همچنین، فرایند اعطای تسهیلات مستلزم پیاده‌سازی و به‌کارگیری نظام کنترل داخلی به‌منظور پیشگیری، شناسایی، و کنترل ریسک‌های بانک است. در این راستا، پایبندی به اصول و اجرای حاکمیت شرکتی، ضمن ارتقای شفافیت در اجرای خط‌مشی‌های اعتباری، مدیریت مؤثر و کاهش ریسک را نیز موجب خواهد شد. همچنین، بانک‌های قرض‌الحسنه با شناخت محیط رقابتی و تحلیل مستمر و دقیق رفتار رقبا و با برجسته‌کردن نقاط‌قوت و مزیت‌های رقابتی خود، قادر خواهند بود با آگاهی‌رسانی جنبه‌های منحصربه‌فرد خود به جامعه، ضمن ارتقای برند و تثبیت و تقویت جایگاه خود در بازار پولی و بانکی، به بازیگری مهم در بازار مالی کشور تبدیل شوند.

گستردگی، چندوجهی‌بودن و پیچیدگی موضوع پژوهش از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. گسترهٔ موضوع پژوهش حاضر فرابخشی و مستلزم مطالعهٔ بسیار در چند حوزهٔ متفاوت ازجمله مدیریت، اقتصاد، حقوق، فقه، مالی، و بانکی بود. این محدودیت فرایند پژوهش را پیچیده و دشوار کرد. مدل به‌دست آمده در پژوهش حاضر در حوزهٔ بانک‌های قرض‌الحسنه است و یافته‌های آن به‌طور کامل قابل‌تعمیم به سایر بانک‌ها در شبکهٔ بانکی نیست. بنابراین، پیشنهاد می‌شود اجرای خط‌مشی‌های اعتباری در سایر انواع بانک‌ها نیز موردتحلیل و بررسی قرارگیرد و یافته‌های آن‌ها با پژوهش حاضر مقایسه شود.

فهرست منابع

ابراهیمی، س. و جلالی‌نائینی، س.ا.ر. (۱۴۰۰). مدیریت رشد نقدینگی و سیاست‌های هدایت اعتبارات به‌سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی (گزارش سیاستی). پژوهشکده *پولی و بانکی (بانک مرکزی ج.ا.ا)*.

الوانی، س.م. و شلویری، م. (۱۳۹۵). *اجرای خط‌مشی عمومی: دیدگاه‌های نظری و راهکارهای عملی*. تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چ. اول.

ایروانی، م.ج.، غزالی، ا.، و غزالی، ع. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی تسهیلات بانکی مبتنی بر عقود اسلامی با رویکرد سیاست‌گذاری. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱(۲): ۱۶۱-۱۹۳.

تشکینی، ا.، حیدری، ح.، و شفیعی، ا. (۱۳۹۵). تجزیه‌وتحلیل آثار سیاست اعتباری بر سرمایه‌گذاری زیربخش‌های اقتصاد ایران. *پژوهش‌نامهٔ بازرگانی*، ۸۰: ۲۳-۴۴.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

توحیدی‌نیا، ا. و فولادگر، و. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی‌سپرده‌های‌قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربای ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۰): ۱۵۵-۱۸۵.
جعفری، م. و شاه‌آبادی، ا. (۱۳۹۸). تأثیر امنیت اقتصادی بر سپرده‌های قرض‌الحسنهٔ بانک‌های دولتی و خصوصی ایران. *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۶(۳۱): ۹۱-۱۱۰.
حیدری، ح.، صادق‌پور، س.، و دهقان‌دوست، م. (۱۳۹۶). رابطهٔ بین نااطمینانی تورم و میزان تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنهٔ بانک‌ها. *پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعهٔ سابق)*، ۲۴(۱۴): ۱۳۵-۱۵۴.
خرمی، ا. ، تقوی‌فرد، م. ح. و خاتمی‌فیروزآبادی، م.ع. (۱۳۹۹). ارزیابی ریسک اعتباری متقاضیان تسهیلات بانکی به‌روش استدلال مبتنی بر مورد (CBR). *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۱۸(۵۹): ۷۹-۱۱۶.
سیدنورانی، س.م.ر.، تاری، ف.، و آقاجانی، ک. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر انحراف تسهیلات اعطایی در ایران. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۵(۸۱): ۱۸۷-۲۲۸.
طاهرپور، ج.، محمدی، ت. و فردی‌کلهرودی، ر. (۱۳۹۸). تأثیر توزیع تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران؛ با تأکید بر عقود مشارکتی و مبادله‌ای. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۲۳): ۱۵۱-۱۷۶.
عزیزنژاد، ص.، حیدری، ح.، پورسید، ب.، و سیدنورانی، س.م.ر. (۱۳۸۷). تحلیلی بر تأسیس بانک قرض‌الحسنهٔ مهر ایران و پیش‌نویس طرح ادغام بانک‌ها. *مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات اقتصادی)*، گزارش ۲۲۰ (۹۰۲۳).
قائمی‌اصل، م. و خلجی‌پیربلوطی، ز. (۱۴۰۰). طراحی مکانیسمی برای ایجاد اتحادیهٔ قرض‌الحسنه مبتنی بر فنّاوری‌های نوین مالی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۱(۸۱): ۳۱-۶۳.
قربانی‌زاده، و.، شریف‌زاده، ف.، و معتضدیان، ر. (۱۳۹۴). تحلیل مسائل اجرای خط‌مشی‌های اداری. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۶(۲۴): ۶۷-۹۵.
قلیچ، و. و خوانساری، ر. (۱۳۹۹). الزامات اصلاح ساختار تسهیلات خرد و کلان در نظام بانکی ایران (گزارش سیاستی). *پژوهشکدهٔ پولی و بانکی (بانک مرکزی ج.ا.ا.)*.
محرابی، ل. (۱۳۹۳). واکاوی روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری اسلامی کشورهای مختلف. *مجلهٔ اقتصادی*، ۳ و ۴: ۶۵-۹۴.
ملاکریمی، ف. و قلیچ، و. (۱۳۹۵). موانع حذف ربا از نظام بانکی ایران و ارائهٔ راهکارهای اصلاحی (گزارش سیاستی). *پژوهشکدهٔ پولی و بانکی (بانک مرکزی ج.ا.ا.)*.
ناجی، م. (۱۳۹۸). بررسی عقد «قرض» به‌عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۴(۲): ۴۶۵-۴۸۵.
نادری، ج.، موسویان، س.ع.، ندیری، م. و.، زارعی، ف (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف (با تأکید بر تأثیر عوامل خاص بانکی). *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۶(۳۲): ۶۱-۸۷.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

ندیری، م.، موسویان، س.ع.، و نادری، ج. (۱۳۹۸). بررسی عوامل تأثیرگذار بر ریسک اعتباری در بانک‌های اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۷۵): ۱۰۹-۱۳۸.

نیلی، ف.، شاهچرا، م.، و طاهری، م. (۱۳۹۴). تعیین خلق نقدینگی و نقش واسطه‌گری مالی بانک‌ها در ایران، *روند*، ۲۲(۷۰): ۱۳-۴۹.

Aikman, D., Haldane, A. & Nelson, B. (2015). Curbing the credit cycle. *The Economic Journal*, 125: 1072-1109.

Aiyede, E. & Muganda, B. (2023). *Public Policy and Research in Africa*. Palgrave Macmillan. Springer Nature Switzerland AG (ebook). https://doi.org/10.1007/978-3-030-99724-3.

Barra, C. & Ruggiero, N. (2023). Bank-specific factors and credit risk evidence from Italian banks in different local markets. *Financial Regulation and Compliance*, 31(3): 316-350. DOI: 10.1108/JFRC-04-2022-0051.

Bezemer, D., Ryan-Collins, J., Van Lerven, F. & Zhang, L. (2023). Credit policy and the 'debt shift' in advanced economies. *Socio-Economic Review*, 21(1): 437-478. DOI:10.1093/ser/mwab041.

Budde, N. (2013). What is a credit policy - and how do I make a good one? https://www.levelset.com/blog/what-is-a-credit-policy-and-how-do-i-make-a-good-one/. Last updated: 2022.

Campos, P. & Reich, M. (2019). Political analysis for health policy implementation. *Health Systems & Reform*, 5(3): 224-235. Taylor & Francis Online. DOI:10.1080/23288604.2019.1625251.

Fowler, L. (2021). How to implement policy: Coping with ambiguity and uncertainty. *Public Administration*, 99(3), Wiley Online Library: 581-597. DOI:10.1111/padm.12702.

Freedman, M. (2023). How to develop a credit policy. *Business News Daily Contributing Writer*; https://www.businessnewsdaily.com/16049-credit-policy.html.

Glantz, M. (2003). *Managing bank risk*. London: academic press.

Goodfriend, M. (2011). Central banking in the credit turmoil: An assessment of Federal Reserve Practice. *Monetary Economics*, 58 (1): 1–12.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

Haag, M., Hurka, S. & Kaplaner, C. (2024). Policy complexity and implementation performance in the European Union. *Regulation & Governance*, John Wiley & Sons Australia. doi:10.1111/rego.12580.

Hudson, B., Hunter, D., & Peckham, S. (2019). Policy failure and the policy-implementation gap: Can policy support programs help? *Policy Design and Practice*, 2(1), 1-14.

Kovalova, O. & Iorgachova, M. (2021). Credit policy of a commercial bank in conditions of uncertainty of the economic environment. *Financial and Credit Activities: Problems of Theory and Practice*; 5(40): 65-75.

Kumar, M., Arora, A., & Lahille, J. (2011). Construct of credit risk management index for commercial banks. *Banks and Bank Systems*, 6(1).

Lee, J. (2019). The effectiveness of credit policy: evidence from the Republic of Korea. *Asian Development Review*, 36(1): 206–224. https://doi.org/10.1162/adev_a_00128.

Lipsky, M. (1980). *Street-level bureaucracy: Dilemmas of the individual in public services*. New York.

Matland, R. (1995). Synthesizing the implementation literature: the ambiguity-conflict model of policy implementation. *Administration Research and Theory*, 5(2): 145-174.

Mazmanian, D. & Sabatier, P. (1983). Public policy implementation and public policy. *Glenville all: Scott. Foreman* (Re published in 1989 university press of American Lanham, MD).

McTigue, C., Rye, T. & Monios, J. (2018). Identifying barriers to implementation of local transport policy: an analysis of bus policy in Great Britain. *Researchgate*. DOI: 10.1016/j.jup.2017.12.002.

Meyers, MK. & Vorsanger, S. (2007). *Street-level bureaucrats and the implementation of public policy*. Peters BG and Pierre J (eds.). The Handbook of Public Administration. SAGE: 153-163. DOI:10.4135/9780857020970.n13.

Monnet, E. (2014). Monetary policy without interest rates: evidence from France's golden age (1948 to 1973) using a narrative approach. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 6: 137–169.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

Pressman, J. & Wildavsky, A. (1974). Implementation. How great expectations in Washington are dashed in Oakland. University of California Press.

Sabatier, P., & Mazmanian, D. (1980). The implementation of public policy: a framework of analysis. *Policy Studies Journal*, 8(4): 538-560.

Sager, F. & Gofen, A. (2022). The polity of implementation organizational and institutional arrangements in policy implementation. *Governance*, 35: 347-364. wileyonlinelibrary. DOI: 10.1111/gove.12677.

Setiawan, R., Abu-Rumman, A., Cavaliere, L., Ratna Mary, Ch., Pachala, V., Khan A. & Sankaran D. (2020). Building strategies for the banking sector during the economic crisis. *Productivity Management*, 25 (1): 821-840.

Shin, H. (2015). Macroprudential tools, their limits and their connection with monetary policy. Panel remarks at IMF Spring Meeting: Rethinking Macro Policy III: Progress or Confusion?" Washington, DC. 15 April.

Smith, R., Girth, A. & Hutzel, M. (2021). Assessing organizational role and perceptions of programmatic success in policy implementation. *Administration & Society*. Sagepub. DOI: 10.1177/00953997211011624.

Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. *Thousand Oaks*, CA: Sage Publications, Inc.

Tsai, W., & Liao, X. (2020). Mobilizing cadre incentives in policy implementation: Poverty alleviation in a Chinese county. *China Information*, 34(1): 45-67.

Zhang, N., Rosenbloom, D. & Dong, C. (2021). Deficits pro forma and substantive: Multilevel policy implementation in China's administrative approval intermediaries' reform. *American Review of Public Administration*, 51(6), SAGE: 1-15. DOI: 10.1177/02750740211010539.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

Journal of Monetary & Banking Research
Vol. 18, No. 64, spring 2025
pages 295-337

Presenting the Model of Implementation of Credit Policies in the Country's Qard Al-Hasan Banks

Mohammad Mahdi Gholami[1] Ali Farhadi Mahalli[2]
Alireza Matoufi[3] Hossein Aryaeinezhad[4]

Received: 5-Mar-2025 Accepted: 22-Jul-2025

Abstract

The purpose of the current research is presenting the model of implementation of credit policies in the country's Qard Al-Hasan Banks using a mixed method. The current research is based on interpretive paradigm and its nature is exploratory-descriptive and and in terms of the purpose, it is also included in the category of applied research. In order to obtain data, a mixed method was used. To analysis the data in the qualitative section, the method of Grounded theory with the systematic approach of Strauss and Corbin was used and in the quantitative section, the Structural Equation Modeling method was used. From a total of 511 primary open codes, 215 axial codes and finally 53 selective codes were categorized. The results of this research show the relationships of the five main dimensions of causal conditions (9 selective codes), contextual conditions (8 selective codes), intervening conditions

[1] Department of public Administration, Go.C.,Islamic Azad University, Gorgan,Iran,mohammadmahdi.gholami63@iau.ac.ir
[2] Department of public Administration, Go.C.,Islamic Azad University, Gorgan,Iran (Corresponding Author), alifarhadi@iau.ac.ir
[3] Department of Administration, Go.C.,Islamic Azad University, Gorgan,Iran. alireza.matoufi@iau.ac.ir
[4] Department of Accounting, Go.C.,Islamic Azad University, Gorgan,Iran. hosseinaryaeinezahad@iau.ac.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]

(9 selective codes), strategies (15 selective codes) and consequences (12 selective codes) around the implementation of credit policies in the country's Qard Al-Hasan Banks. Finally, the results of the quantitative part of the research also confirm the acceptance of all research hypotheses and the validity of the model. Credit policies based on the bank's directions, priorities, principles and goals are known as an important and integral part of a bank's macro policies, and using the model presented in this research will be effective in implementing credit policies.

Keywords: Implementation, Policy Implementation, Credit Policy, Qard Al-Hasan Bank, Mixed Method
JEL Classification: H10, H83, E51, G21, H80

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.64.283]